

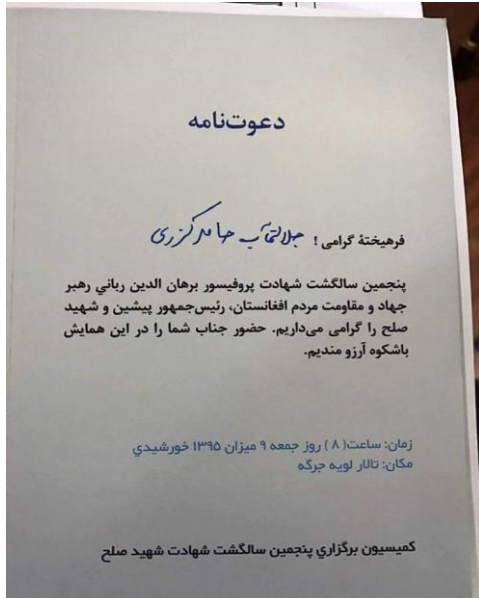


۲۰۱۷/۰۱/۲۱



مصطفی «عمرزی»

در حاشیه ی توهین به کرزی



رئیس جمهور پیشین افغانستان در جوانب مختلف قضاوت، نام ها و اوصافی دارد که شناخت آن ها در یک مجموعه ی کلیشه یی «رئیس جمهور روز های سخت»، «سمبول وحدت ملی»، «رئیس اداره ی ائتلاف و معامله»، و «سهامدار سیاسی» بیش از یک دهه ی افغانستان که در دوران حاکمیت اش در واقع آنارشیسم فرصت ها بروز می کند و اما آن چه بایسته بود، در آن باد فنا نیست می شود که پس از پایان نقش او، گزارش های جهانی حاکی اند تمثال نمایش برنامه های بیرونی، نیازمند بازنگری با سرمایه گذاری هایی ست که باید در جبران ناکارآمدی و تهدید امنیتی، پول ها و آدم های جهانی را به افغانستان جنگ زده از نو سرازیر کند.

این که شیوه ی برخورد و سیاستگذاری های جامعه ی جهانی در افغانستان در آینده ی سیاسی کشور ما، تا چه میزانی به عمق واقعیت ها می رسد، شاید گریبانگری هزاران افغان فراری از کشوری که گفته می شود از هزاران میلیون دلار آمریکایی قرار بود نمونه ی آسیایی دیگری برای دیموکراسی شود، به وضاحت به این طرز نگرش دوستان خارجی کمک کرده است که آن چه درخور حال افغانان کرده بودند، بیشتر به خورد کسانی رفته است که اگر طالبان برای توحش حاکمیت شان طرد شدند، هرگز درست نبود کسانی را در شمار بنایان و معماران ساختمان نو سهیم می کردند که در گذشته ی پیش از طالبان، اشکال ترس، تهدید، تجاوز، ویرانگری و خیانت را در ترسیم آن افغانستانی به نمایش می گذارند که حکومت های صبغت الله و برهان الدین، با هزاران سند و مدرک بر جا می گذارند.

حامد کرزی، مسوول پروژه ای بود که با پذیرش واقعیت ناگزیری ها، باید تحمل می کرد مشترکان سهیم در حکومت او، هر چند در احصاییه ی ظرفیت های کاری، مسلکی و بشری، قابل ملاحظه نیستند، اما وجوب کمک دهنده گان جهانی و عاطفه برای ترحیم، دوایی نمی شود که برای التیام و درمان درد های افغانستان درد دیده، اغماض می کردند جانب مخالف طالبان، که کاستی ها در امر خیانت و جفا به سرزمین را از نظر نیانداخته اند، همان شر و فسادی اند که برای ثبوت حیثیت، نیازی به بیان ادبیات دفاعی به اصطلاح «ولندنگ» (وصل فلزات) خیر و شر نبود.

تاریخ پردازان افغانی به درستی وقتی به ماجرا های کید و نیرنگ حاکمیت تحمیلی بیش از یک دهه ی اخیر برسند، ناگزیر با دقتی درخور کار تاریخ، مجبور اند عرق بریزند که قافله ی عقب مانده ی افغانستان، هر چند در دم جامعه ی جهانی وصل بود، چرا لنگان می رود و محکوم به گذشته (حاکمیت تنظیمی) شده است؟ ساختمان نظام برای تامین عدالت اجتماعی، مستلزم ساخت ارکانی ست که به استواری افراد خبیر و وطن دوست، برای مقدرات خاک و مردم، برپا می شود.

تراژیدی حاکمیتی که حامدکرزی در چهار دوره ی موقت، انتقالی و دو دور انتخابی، نقش خویش به حیث فصلی از زعامات تاریخ افغانستان را معرفی می کند، در قرابت و جوار مردمانی به تصادم و جوش می رسد که اگر استقامت او در سالیان نخست برای طرد ازدحام شر و فساد، مبدل به همکاری در تداوم حاکمیت نمی شد، حداقل میراثی که برای غنی برجاست، از آسیبی در امان می بود که می بینیم نقش یک دهه تلاش ملت برای تبیین و تفکیک میان خوب و بد، اداره ای شد که با تمام عرض و طول خاینان و مزدوران، به افتخار «حکومت وحدت ملی» می گویند و رییس جمهور ناگزیر است آن چه مختص به ابتکار خود و تیم اش باشد، در بند ناف اولاد نامشروع سیاست های

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راپورلو مخکې په خپل و لولئ

جهانی ببندد، تا ز قومی که در این وحدت ریشه گرفت و ساقه شد، برای آینده ی سیاسی افغانستان، «گل دوزخ» اهدا کند.

ماجرای طراحی شده ی توهین به کرزی، که در تجلیل از یک زاده ی استخبارات پاکستان (ملا ربانی) مردم ما را آزار می دهد به تقدیس کسی بنشینیم که در چهارسال حکومت شرم آورش، در روز روشن بر ناموس مردم تجاوز می کردند؛ ارزش پول، مساوی به کاغذ تشناب شد و صد سال دستاورد های عمرانی افغانستان را غریبال کردند تا عقده های حقارت شان برای تواریخ میان تهی از مزیت فرهنگ هتک حرمت و دهن گنبدیده گی، رهروان شر و فساد را کمک کند در هر جایی که کم آوردند، با فحاشی بر دیگران، جرات بیان حقیقت را سلب و مردم را از منظر این فرهنگ اصیل آریایی، خراسانی و پارسی مشغول کنند تا در فراموشی خیانت گروهک های بی ریشه، ناقل و مهاجر، سرنوشت خویش را به کسانی بسپاریم که مستند تاریخی آنان هشدار می داد جفایی که با تحمیل خاینان تنظیمی در نظام نهادینه کردند، در زمانی به حیرت می رسد که می بینیم، ماموران ولی نعمت ملی گرا (حامد کرزی) که در حاکمیت او، با هزاران تایید و امضای تکنوکراتان، از سوراخ های مقاومت به سردمداری، سرمایه، جاه و مقام رسیدند، هیچ کسی به اندازه ی کرزی را که در سایه ی رسمیت جهانی و بی غرضی او، از خاک برخاستند، دشمن نمی دانند.

ماجرای توهین طراحی شده به کرزی که دیدیم، پذیرش کارت دعوت خود را همانند تاریخ افغانستان، نادیده گرفتند، از منظر بررسی کارنامه ی احزاب ضد افغانان، بسیار مهم است.

توجیه کننده گان هزینه های خاینانه بر خاینان، که در شمار رئیس دولت، اعضای غیر تنظیمی بودند، با از کیسه ی ملت بخشیدن، آن قدر در قربان و صدقه به شر و فساد ریکارد قایم کرده اند که اگر سری به صدور مکتوب های مقرری، تادیه ی پول و امتیازات تکنوکراتان به «دون کراتان» بزنید، کافی ست در روز بادای پاسخگویی به این خیانت ها، نیازی به تشکیل دوسیه نداشته باشیم؛ زیرا از مدرک حضور بی متجانس، بی رویه و منحصرکننده ی دشمنان در شاهرگ های مملکت، به خوبی متوجه می شویم ترحم و عاطفه، در برابر جریان هایی که با بیش از نیم قرن افکار باطل، مدعیات پوچ و سرمایه گذاری های دشمنان خارجی، جمعیت و شورای نظار، وحدت و ستم ملی و پرچم حزب دیموکراتیک خلق شدند، همانند افسانه ی سرمنگسک می شود که به جز تکرار، معنی ندارد.

اهدای امتیاز در سهامداری افغانستان در یک دهه ای که گذشت، نقدی بود که اگر به فراوانی به گوش کرزی نرفت، حواریون او می دانستند طرز برخورد با مافیای سقاوی و ستمی، که در بررسی بنیان های فکری شان، افغانستان، افغانان و به ویژه پشتون ها، مساله ی دشمن اند، اگر زهری به تلخکامی عکس العملی دارد که در بسط فرهنگ غیر اخلاقی و توهین، مبارزه می دانند، حتی ذره ای از اهمیت استدلال افغانان آگاه نمی کاهد که در طول حاکمیت های ائتلاف و معامله هشدار می دادند درست است که اشتباهات جامعه ی جهانی، پول آن ها را در چاه عناصر بحران افغانستان، هدر می دهد. آنان با چشمان باز و اما با اغماض بر گذشته ی افراد، مخالفان طالبان یا میراث بدترین و سیاه ترین سالیان تاریخ ملت ما را تحویل گرفتند، اما چرا جانبی که در زمان هجرت، به یاد گذشته های خوش، مملکت را رصد می کرد، وقتی آمدند، در رقابت با خارجی، آن قدر از سهم مردم و مملکت را در پای خاینان و جانپان ضایع کردند که ارقام این رقابت، جامعه ی جهانی را بازنده اعلام می کند.

موضع ما در شرایطی که تحمیل، دامنگیر است، از همان آغاز این بود که در تداوم حاکمیت تحمیلی ائتلاف و معامله، به انگیزش روحیه و تقویت بنیه های کمک می کردند که ضمن مبارزات اجتماعی، رسانه یی و فرهنگی، از گریبان خاینان می گرفتند و در گسترش این فرهنگ، در ابعاد نقد همه جانبه، به دشمنان داخلی این مملکت تفهیم می کردند ماضی افغانستان، ارزش شما به عنوان عناصر بی ارزش را ثابت کرده است و آن چه به نام دستاورد های به اصطلاح جهادی، مقاومتی و تنظیمی می دانند، سرفصل های خیانت در تبیین تاریخی ست که به امروز می رسد. معنی ساده این سطور این است که با حمایت از جوانب بی طرف و فعال افغان، کمک می کردند با میلیون ها دالری که وارد شده است، نهاد ها، موسسات، ادارات، احزاب و افرادی به راس امور می رسیدند که ضمن عبور از شانس ها، خاینان و جنایتکاران را در نکوهش حاکمیت نحس تنظیمی، هشت ثور شرم آور، جعلیات ستمی و بطلان ادعا های سقاوی، ماشین بشری شر و فساد را از کار می انداختند تا در جویی که جفا ها و خیانت ها برملا شده است، دستاویز نداشته باشند که مثلاً اگر انحصار کرده اند و تاراج می کنند، به خاطر آن است که متأسفانه هشت ثور را تجلیل می کنیم.

د پانو شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

هنوز نقد درخور جعلیات ستمی وجود ندارد و متأسفانه زیر سنگینی ایده های وارده، به نام گرایش های دینی، فرهنگی و حزبی فریب می خوریم و در عکس واقعیت ها، کسانی نقد می شوند که اگر بر حداقل اکتفا کنیم، وقتی دو حاکمیت نحس به اصطلاح سقاوی را منفی کنیم، حتی زمان حزب خلق، چیزکی دارد.

نمی دانم آقای کرزی با آن چه تحویل گرفت، چه قدر متمایل به گرایش هایی شده است که معدود نخبه گان با درک افغان، برایش سفارش می کردند حاتم بخشی های او به افراد و گروهک هایی که برای تبارز حضور شرم آور خود، نیم قرن دستاویز، تاریخ و به اصطلاح کارنامه ساخته اند، تا زمانی که متوجه نشوند، گذشته ی آنان هیچ مفادی نداشته است، به سطحی در انحصار و چپاول صعود می کنند که وقتی دیوانه وار شد، مشکل است تفهیم کنیم که اگر بر اثر ضعف های ما «هوایی» شده اند، دیری نمی ماند که به زمین بخورند. این پوقانه های سیاسی-پلاستیکی ساخت کارخانه ی آی.اس.آی، اگر در زمان صعود مصنوعی در مراسم توهین به کرزی ها نکند، از کاهش بادی نشست می کنند که بقای آنان هنوز به امضای همان تکنوکراتانی بسته است که اگر مشمول خیرات جامعه ی جهانی شده اند، می دانند که هرچند زعیم ملی همه، از دزد و رهن تا قاتل و خاین نیز بوده اند، نباید چنانی شوند که نمونه های ظاهرأ تصفیه شده ی تنظیمی (فقط با آرایش ظاهر) از گذشته های پشم دار خود، توجیه ی مجاهد و مبارز می بافند.

حتی عطایای میلیون دلاری، تفویض پُست های بلند دولتی، امضای هزاران حکم امتیاز و بخشش خاک و سرمایه، نتوانسته اند حتی یک لحظه از دشمنی کسانی با حامدکرزی بکاهند که مغز شان در پنجاه سال دیگ توهم و مدعا جوش می خورد و فکر می کنند آن چه کرده اند (خیانت، ویرانی و جفا) مزایایی ست که مردم و مملک افغانستان بایست در معنی معکوس لغات، دزد را همدم، قاتل را مونس، خاین را وفادار و مزدور را متحد و غم شریک بدانند. بدترین دشمنان کرزی، همان موثلفان حاکمیت های اویند که در سلسله ی تحمیلی ابقا می شوند و اما یادشان رفته است که آن ساخت و ساز افغانی (قره قل، چین، پیراهن- تنبان با زبان دری و پشتو) بیشتر از هرکسی بر گردن آنان حق دارد. او با صدور مجوز کار، دشمنان خودش و مردم را توجیه کرد، بنابراین، این یادآوری شامل کسانی می شود که قرار است در بازی سیاسی افغانستان، عاطفه را در جایی که نیاز نیست، بدیل هوشیاری و حقیقت نسازند.

واداشتن عدو، زمانی به حقیقت احترام متقابل می رسد که زبان ما در رسایی بیان حقیقت، او را مجاب کند آن چه مدعی ست، واقعیت ندارد.

در اندوهی که گذشت و تکرار می شود، سلسله ی اهدای امتیاز، در حالی ادامه می یابد که تلاش ها برای افشای حقایق، اغماض می شوند و در این خلاء، می خورند کسانی که در تحریف تاریخ، زشتی ها و پلیدی ها را شریف و مهم می شمارند.

کاش در ماضی ای که گذشت، صدای حق برای بیان حال، به همین ساده گی کمک می کرد «با ماه نشینی ماه شوی، با دیگ نشینی سیاه شوی!»

د پانیو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ